

دربو ته نقد

به بهانه اجرای نمایش «بیماری خانواده میم» به کارگردانی الهام شکیب

نابهنگامی یک خانواده معمولی



محمدحسن خدایی منتقد



رامتین شهبازی پژوهشگر و منتقد

تاریخ فلسفه غرب مظهر پیوستگی است. هر اندازه اتفاقات فکری در شرق، به‌صورت منطقه‌ای و گسسته است، مطالعه آرا و اندیشه هر فیلسوفی در غرب بدون دانستنی ساختمان فکری پیشینیان ایشان اندکی بعید می‌نماید. از همین‌رو است که تفکر و نظریه «بینامتنیت» فارغ از اینکه اندیشه‌ای متکی بر متن باشد، حاصل اندیشه تاریخ تفکر غرب است. ولفگانگ آیزر اعتقاد دارد نظریات را می‌توان به دو حوزه نظریات سخت و نرم تقسیم کرد؛ نظریات سخت به حوزه علوم تجربی اختصاص دارد که یکی موجب ابطال دیگری می‌شود. اما در حوزه علوم انسانی که در دسته نظریات نرم قرار می‌گیرد، نظریات یکدیگر را باطل نمی‌کنند بلکه آنها یکدیگر را کامل می‌کنند. ممکن است در برخورد با تاریخ فلسفه غرب به نظر آید که برخی آرا در رد یکدیگر بیان شده‌اند، اما در ذات آنها که بنگری همان ردکردن نیز بحث از ابطال نمی‌کنند، بلکه در دل خود از نظریه پیشین وام می‌گیرند. در ابطال اگر دارویی برای بیماری کشف شود که نتواند پاسخ بیمار را بدهد بعد از کشف داروی دیگر به زیاده‌اند افکنده می‌شود، اما در خوانش خودخوانش یکی خوانش کلاسیک است و دیگری خوانش پساساخت‌گرا موسوم به تاریخ‌گرایی جدید. در خوانش کلاسیک سیر وقایع است که مورد اشاره است. بنابراین در خوانش کلاسیک تئاتر فرشته همان ردکردن نیز بحث از ابطال نمی‌کنند، بلکه در دل خود از نظریه پیشین وام می‌گیرند. در ابطال اگر دارویی برای بیماری کشف شود که نتواند پاسخ بیمار را بدهد بعد از کشف داروی دیگر به زیاده‌اند افکنده می‌شود، اما در خوانش خودخوانش یکی خوانش کلاسیک است و دیگری خوانش پساساخت‌گرا موسوم به تاریخ‌گرایی جدید. در خوانش کلاسیک سیر وقایع است که مورد اشاره می‌بیند که ذهنیت‌گرایان.

تئاتر «فرشته تاریخ» سفر در دل همین تاریخ است. رضایی‌راد با پرداختن صوری به آخرین شب از زندگی والتر بنیامین می‌کوشد تا این تاریخ را نه در طول رخداد آن، بلکه در عرض مرور کند. همین نکته است که سبب ساز شکل‌گیری نوعی دیالکتیک می‌شود. مرور طولی تاریخ می‌تواند مخاطب خود را به‌شکلی از «توصیف» برساند، اما فرشته تاریخ در عرض به «تحلیل» می‌رسد. با توجه به کشمکش‌های شخصیت محوری این تئاتر به نظر می‌رسد در نگاه نخست با یک تئاتر زندگی‌نامه‌محور مواجهیم. قرار است در یک شب بحرانی که ذهنیت شخصیت اصلی نمایش‌نامه در بحران به سر می‌برد به مدد مخدرات او به نوعی زندگی اندیشگانی خود را به مرور بنشینند، اما این رویه ساده ماجرا است؛ زیرا از حرکت از بیرون به درون اندیشه‌ها بنیامین

تاریخ فلسفه پیش از او و پس از او به چالش کشیده می‌شود.

بحث نخستینی که در حرکت عرضی رضایی‌راد در برخورد با تاریخ می‌توان به آن پرداخت مسئله تاریخ است. از تاریخ دو خوانش وجود دارد؛ یکی خوانش کلاسیک است و دیگری خوانش پساساخت‌گرا موسوم به تاریخ‌گرایی جدید. در خوانش کلاسیک سیر وقایع است که مورد اشاره است. بنابراین در خوانش کلاسیک تئاتر فرشته تاریخ، بنیامین قرار است که صبح شبی که بازداشت شده به مأموران گشتاپو تحویل داده شود و بنیامین در همان شب دست به خودکشی می‌زند! این نقل تاریخ است. در این تاریخ به این دلیل که خود را پارادایم محق می‌داند جای گفت‌وگو و انتقاد خالی است. تاریخ اینجا یک «متن» بسته است، زیرا از منظر «زمانی» یک آغاز دارد و یک پایان. اما در تاریخ‌گرایی جدید اتفاقا وقایعی بیان می‌شود که از دید مخاطب به دور مانده است. خطاهای سبیدی از تاریخ که به دلیل سیال بودن در زمان بیان نمی‌شود. این اتفاقات ممکن است نطقه در یک زمان داشته باشند، اما محصول خود را در زمان دیگری به بار بنشانند. دیدار برشت و بنیامین یک اتفاق تاریخی است که در آن مباحث مختلفی بیان می‌شود؛ مباحثی مانند ایده «ژست». اما رضایی‌راد این دیدار را هوشمندانه

به بهانه اجرای تئاتر «فرشته تاریخ» به نویسندگی و کارگردانی محمد رضایی‌راد

گفت‌وگویی در متن تاریخ فلسفه



عکس: نوشین جعفری

در قالب عکس تکه‌تکه بر دیوار نقش می‌زند. این عکس تاریخی «شیخ» است. شبیه زندگی است، همان «استودیوم»ی است که بارت در اتاق روشن از آن سخن گفته است. اما بارت از «پونکتوم» هم سخن می‌گوید. پونکتوم از عکس بیرون می‌زند و پیش‌روی تماشاگر تئاتر فرشته تاریخ رخ می‌دهد. در ژستی که بر ژست برشت نقش می‌زند که خود در قالب ویرانی عکس‌های نهایی کار، در آمیختگی با ژست «سقراط» به «رخداد» بدیوار می‌گشاید. این پونکتوم است که تاریخ را نه از سر به انتها که مدور و شبکه‌ای می‌کند؛ شبکه‌ای که در هرکوشه از آن می‌توان یک تکه از جهان اندیشه تفکر غرب را یافت. این چنین است که رضایی‌راد در اجرا نیز خود را مقید به همین تفکر نهفته در بطن اثر می‌داند. نمایش پیرامون ایده‌های مختلفی شکل می‌گیرد و ناگهان آن را می‌گسلد. همسرایی که نجات‌دهندگان بنیامین هستند و این نقش دائم بین آنها تغییر می‌کند.

همین نکته سبب شده که نتوان هویت و نقش ایشان را براساس داشته‌های ساختاری تئاتر تشخیص داد؛ اتفاقی که درباره افسر گشتاپو و نگهبان و سگ تاتلو فرشته تاریخ نیز رخ می‌دهد. اینجاست که حلقه محبوبه بنیامین نیز دو شکل ظاهری به خود می‌گیرد تا نویسنده و کارگردان این تئاتر بتوانند هر

تمرکزی را از مخاطب خود سلب کرده و ذهن او را به بازی بگیرد. این فرم تا انتها تکرار می‌شود و از منظر اجرایی در یک‌سوم نهایی موجباتی را از ملال پدید می‌آورد و کارگردان نمی‌تواند استراحت‌گاهی ذهنی برای مخاطبش در نظر بگیرد، اما انسجام درونی اثر تا انتها این نقیصه را پس پرده‌ای پنهان می‌کند.

رضایی‌راد در این اثر ژست‌هایی را تدارک می‌بیند که به هزارتو می‌ماند. اندیشه‌ها و افراد مختلف برای تحلیل تاریخ «بایسته» کنار هم قرار می‌گیرند و همین سبب می‌شود خود بنیامین به‌وجودآمده نگاهی توأم با انتقاد داشته باشد. حالا بنیامین و آرای او نیز در دل اثر تحلیل می‌شود و نقطه روشن آن همان معکوس‌شدن ایده کوتوله و عروسک است. تغییر دیدگاه نسبت الهیات و ماتریالیسم. تماشاگر این تئاتر با عکس‌هایی که به‌مثابه پیرامتن در سالن انتظار چهارسو نقش بسته وارد سالن می‌شود تا «روایتی» را از تاریخ فلسفه ببیند. در انتها بنیامین از مرگ‌گاه سقراط برمی‌خیزد و دوباره بعد از تشویق تماشاگران به جای خود بازمی‌گردد. حالا تماشاگران نیز از حاشیه به درون متن آمده‌اند. حال که ایشان سالن را ترک می‌کنند، عکس‌ها همچنان بر دیوار است، اما این عکس‌ها نیز در طول اجرا به حرکت درآمده و معنای تازه‌ای یافته‌اند.

بردارهای فساد هم‌جهت شده است

مصاحبه‌های دیگر هم گفته‌ام. آیا فکر می‌کنیم این حجم از قاجاق به وسیله کولبرها انجام می‌شود؟ وقتی که مسئولان می‌گویند که ۲۵ میلیارد دلار قاجاق سالانه را به ۱۵ میلیارد دلار کاهش دادیم، آیا توجه دارند که کانیتیرهای قاجاقی که از مرزهای جنوبی وارد کشور می‌شوند، چگونه وارد می‌شوند؟ آیا می‌شود این حجم را با قایق آورد؟ آیا می‌توان با کولبر آورد؟ در مجلس ششم بحث قاجاق مطرح شد. یک کمیسیون ویژه تشکیل دادند و رفتند بررسی دقیق‌ی کردند و گزارش‌ها ارائه شد. چه نتیجه‌ای داشت؟ بارها گفته شده است، تعدادی از بنادر ایران اصلا تحت کنترل نیست. گمرک در آن مستقر نیست. رؤسای جمهور بارها این را در صحبت‌های خود اگر دقت کنید، در مقاطعی به عناوین مختلف مطرح کرده‌اند. آقای احمدی‌نژاد آن واژه عجیب را به‌کار برد! پس معلوم است که باز همان بحث رانت و بحث اعداد بزرگ مطرح است. بحث اعداد کوچک نیست. وقتی ۱۵ میلیارد دلار را مطرح می‌کنید، باید آن را در مقابل کل پولی که در کشور گردش می‌کند، مقایسه کنید. این رقم حدود ۲۵ درصد کل گردش ارز کشور است. وقتی مدیر کل حقوقی ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور می‌گوید ۱۶۷ هزار میلیارد تومان گردش مالی مواد مخدر است، باید این رقم را در کنار بودجه عمومی کشور بگذاریم. کل بودجه عمومی کشور حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است؛ یعنی حجم پول قاجاق مواد مخدر بیش از یک‌سوم کل بودجه کشور است. پول‌های کثیف یعنی این پول‌ها که وزیر کشور هم یک بار به آن اشاره کرد! ریشه اینها در محدودشدن فضای دسترسی در اقتصاد ایران است. یک عده خاص دسترسی به همه‌چیز دارند و اکثریت قریب به اتفاق هم دسترسی به هیچ چیز ندارند.

● پول‌شویی یکی دیگر از معضلات اقتصاد ایران است. امکان مبارزه با پول‌شویی در کشور وجود دارد؟

ممانعت از تصویب لوائح مرتبط با پول‌شویی وجود حجم پول‌های کثیف در کشور است. نزدیک به ۱۰ سال است که دنبال تصویب قانون پول‌شویی در ایران هستند. بعضی از قوانین هم تصویب شده است، برخی کنوانسیون‌ها را ایران پذیرفت؛ چون حجم اقتصاد زیرزمینی در کشور بیش از آن است که اجازه دهد این قوانین تصویب و اجرایی شود.

● یعنی ما به خاطر قاجاق قوانین پول‌شویی را به اجرا در می‌آوریم؟

ادامه از صفحه ۸

اگر بنا باشد فساد گسترده باشد، دیگر با برخورد نمی‌توان با آن مبارزه کرد؛ بلکه باید برای حل مسئله به اصلاحات بنیادی تن داده شود، بدون اصلاح قوانین اساسی و امکان پاسخ‌گودرکن همه دستگاه‌ها و بهادادن قانونی به نهادهای مدنی و احزاب و مهار فسادستان داخلی و امکان‌دادن به مدیریت کارآمد برای اداره کشور نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید. باید کابه‌گام از این شرایط دسترسی محدود، کشور را خارج کرد. این کار فقط با استفاده از مدیران دانا و توانا و تمکین واقعی از قانون و میسرکردن شرایط برای حکمرانی خوب و آن‌هم با نهادسازی می‌تواند عملی شود.

● در صحبت‌های‌تان به حضور نهادهای اقتصاد ایران اشاره کردید. به نظر شما حضور آنها چقدر بر اقتصاد ایران تاثیرگذار است؟

همان‌طور که پیش‌ازاین گفتیم، واگذاری‌های سنگین با این نهادهای که ظرفیت پذیرش این کار را نداشتند و سازماندهی و توانایی مدیریتی برای شناخت دقیق از بازار را نداشتند، عملا فرصتی به وجود آورد که این حجم از منابع درگیر فساد شود. درست است که می‌گویم دولت یکی از کسانی است که در اقتصاد کشور سهم بالایی دارد؛ اما دولت به دلیل حجم بالای هزینه‌های جاری و در این شرایط اقتصادی، با وصول مالیات و مقداری فروش نفت و محصولات دیگر ازجمله کارخانجاتش و تبدیل آن به حقوق ماهانه، این ارقام را بین کارمندان و بازنشسته‌ها و یارانه نقدی توزیع می‌کند؛ اما طرف مقابل عملا ۴۰ تا ۴۵ درصد تولید ناخالص ملی را از اختیار دارند که این منابع، منابعی است که می‌تواند همواره در اقتصاد کشور تاثیر جدی داشته باشد. نوسانات نرخ طلا و سکه و ارز و بازار بورس همه ناشی از این شرایط است.

● اینها به‌راحتی می‌توانند اقتصاد را زمین‌بزنند و هر دولتی را زمین‌گیر کنند؟

عملا بعد از توافق برجام این اتفاق افتاده است. نبود امکان استفاده از فرصتی که برجام برای اقتصاد ایران به وجود آورده بود، ناشی از این قدرت‌نمایی بود. تصویب پیش‌نویس قراردادهای نفتی چرا این‌همه زمان گرفت؟ لوائح پول‌شویی چرا در این پیچ‌وخم‌ها گیر کرده است؟

● یکی از مشکلات مهم اقتصاد ایران حجم بالای قاجاق است. همواره گفته می‌شود که کنترل قاجاق به دلیل گستردگی مرزها غیرممکن است. برآوردی از تاثیر ورود کالای قاجاق بر اقتصاد ایران دارید؟ واقعا کنترل ورود کالای قاجاق به ایران غیرممکن است؟

باز همان بحث قبلی است. باید علل قاجاق را بررسی کرد. قاجاق به وسیله چه کسی؟ در

برای بعضی امکان‌پذیر نیست. آنها که اراضی بزرگی را تصرف می‌کنند، کوه‌خواری می‌کنند و فرار مالیاتی دارند، سرخ اقتصاد زیرزمینی دست آنهاست و... چه کسی می‌تواند جلوی‌شان را بگیرد؟ ایران در آسیا از اولین کشورهایی بود که دنبال قانون رفت و هنوز هم بعد از ۱۲۰ سال همچنان دنبال قانون می‌گردد؛ اما «دم در» قانون مانده است نتوانست از «در» قانون رد بشود؛ این مایه تأسف است که کشور ۱۲۰ سال دنبال این است که حاکمیت قانون در کشورش اجرا شود. و موفق نبوده است. نمی‌دانم داستان مستشارالدوله را شنیده‌اید یا نه. یوسف خان مستشارالدوله زمان ناصرالدین شاه سفیر ایران در فرانسه بود. آنجا بررسی می‌کند و می‌بیند که در فرانسه تحول زیادی رخ داده و نظم و انضباط همه‌جا حاکم است، متوجه می‌شود که آنها از ابزاری به نام «قانون» استفاده می‌کنند و ارباب و نوکر به آن پایبند هستند؛ کتابی در وصف قانون به نام «یک کلمه» می‌نویسد، وقتی آن کتاب را وارد ایران کرد، ناصرالدین شاه دستور داد این‌قدر با آن کتاب در زندان بر سرش بکوبند تا کور شد!

● بدون اصلاحاتی که در این مصاحبه راجع به آن صحبت شد، به نظر شما حذف چهار صفر از پول ملی منطقی است؟

بدون اصلاحات اقتصادی در کشور حذف صفر منطقی ندارد. اگر نتوان ارزش پول ملی را تثبیت کرد، صفرها را حذف می‌کنند و دوباره همین شرایط را پیدا می‌کنید. موقعی باید این کار را انجام داد که مطمئن باشید شاخص‌های کلان اقتصادی کشور به شرایط مطلوب رسیده است. ۱۰ سال طلایی اقتصاد ایران بین سال‌های ۴۲ و ۴۳ تا ۵۲ و ۵۳ است. شاخص‌های اقتصادی در آن دوره را می‌بینید. نوسانات قیمت ریالی در مقابل دلار آمریکا در آن مقطع در حد نیم‌ریال بود؛ یعنی ۷۰ ریال تبدیل می‌شد به ۶۹۰۵ ریال یا برمی‌گشت به ۷۰ ریال. این دامنه نوسان ارز خارجی بود. در تمام آن ۱۰ سال، تورم کشور همیشه زیر پنج درصد بوده است و اکثر سال‌ها در حد یک یا دو درصد بوده است. متوسط رشد اقتصادی بالای ۱۱ درصد در آن سال‌ها بوده است؛ پس کشور یک دوره دارد که می‌تواند رشد اقتصادی کشور بالای ۱۰ درصد تثبیت شده است. تورم را نتوانسته‌اند مهار کنند. حالا امروز اگر قرار است چهار صفر حذف شود، آیا روی یک طرف قرارداد برای دسترسی به حق خود متوسل به دادگستری می‌شود؛ درحال‌حاضر ابزارهایی که مردم را به شرایطی برساند که با اعمال قانون به حقوق خود برسند، وجود ندارد؛ البته اعمال قانون در کشور برای ضعفا مقدور است؛ اما برای بقیه نه. وقتی می‌برسید دولت می‌تواند جلوی پول‌شویی را بگیرد، می‌گوید نه! برای این است که اعمال قانون

تصویب نمی‌کنیم؟

ظاهر قضیه این نیست و نگرانی‌های سیاسی مطرح می‌شود؛ ولی واقعیت حجم اقتصاد زیرزمینی و مبادله پول‌های بدون سند است که با اجرایی‌شدن قانون پول‌شویی، نقل‌وانتقال این پول‌های کثیف مشکل می‌شود و سرخ این منابع مالی همه درونی است.

● یعنی به آن حلقه بسته بازمی‌گردیم؟

وقتی فضای دسترسی محدود می‌شود، گردش منابع بزرگ مالی همه در آن فضا انجام می‌شود، اقتصادهای محدود با الیگارش‌ی خاص این مشکلات را به همراه می‌آورد.

● به نظر شما دولت ابزار لازم برای پول‌شویی را در اختیار دارد؟

خیر، منظور من از دولت حاکمیت است. موقعی می‌توانید از هیئت حاکمه در کشور توقع داشته باشید که قدرت داشته باشد که این قدرت ناشی از قانون باشد. در داخل کشور قانون و قانون‌گرایی و حاکمیت قانون است که اداره مطلوب یا حکمرانی خوب را ممکن می‌کند، بیش از ۲۰ سال است که در کشور بحث حکمرانی خوب مطرح است. چرا درده‌بنی‌های جهانی بین ۱۸۰ کشور ارزیابی شده، ایران در محدوده رده ۱۴۰ قرار می‌گیرد؟ یعنی جزء آخرین‌هاست، چرا؟ یکی از مهم‌ترین پارامترها موضوع قانون‌گرایی است. آیا پایبندی به قانون در کشور وجود دارد یا نه. مبارزه با فساد به صورت نهادینه وجود دارد یا خیر؟ حقوق مالکیت در کشور به رسمیت شناخته می‌شود یا نه؟ خیلی‌ها معنی حقوق مالکیت را نمی‌دانند و فکر می‌کنند مالکیت یعنی سند مالکیت. این‌گونه نیست؛ شما با من مصاحبه می‌کنید، مصاحبه من متعلق به شماست. شمایی که می‌توانید به دفتر روزنامه‌تان مصاحبه را بدهید و حق‌تان را بگیرید یا می‌توانید این مصاحبه را در اختیار رسانه دیگر قرار دهید. در ایران حقوق مالکیت مفهومی ندارد؛ به‌همین‌دلیل پرونده‌های متعددی در دادگستری وجود دارد که یک طرف قرارداد برای دسترسی به حق خود متوسل به دادگستری می‌شود؛ درحال‌حاضر ابزارهایی که مردم را به شرایطی برساند که با اعمال قانون به حقوق خود برسند، وجود ندارد؛ البته اعمال قانون در کشور برای ضعفا مقدور است؛ اما برای بقیه نه. وقتی می‌برسید دولت می‌تواند جلوی پول‌شویی را بگیرد، می‌گوید نه! برای این است که اعمال قانون



تأمل

«سرتاسر» یک پرفورمنس



پرناز سدیجی نویسنده

● «پرفورمنس چیست؟» این سؤال در ذهن خیلی‌ها بیچ‌وتاب می‌خورد. بعضی‌ها از هم درگوشی می‌پرسند. برخی می‌روند می‌گردند ببینند چیست. شک ندارم آنهاهی که رفته‌اند و گشته‌اند، بسیار گیج خورده‌اند، با دنیایی واژه و توضیح و تعریف مواجه شده‌اند و در نهایت اگر کسی از آنها پرسیده: «بالاخره این پرفورمنس چیست؟» خندیده و گفته‌اند: «یعنی نمی‌دونی؟» و از توضیح و تعریفش فرار کرده‌اند.

از نظر معنایی که به واژه پرفورمنس نگاه کنیم، همان اجرای خودمان است. می‌توان آن را به هر نوع اجرایی نسبت داد و هر اجرایی را به این اسم فرنگی نامید. اما ما در زبان فارسی به‌جای پرفورمنس نمی‌توانیم «اجرا» را جایگزین کنیم، چراکه اجرا مشتق از پرفورمنس است و این واژه وجوه دیگری را درون خود بار کرده و به همراه دارد؛ یعنی اگر اجرا را جایگزین کنیم، آن‌طور که باید حق مطلب را ادا نکرده‌ایم.

پرفورمنس تکمیل و ارائه ایده‌ای است که در آن دانش، هنر و توانایی‌های اجراگر به نمایش درمی‌آید. اینکه کدام‌یک از اجراهایی را که می‌بینیم، پرفورمنس هستند و کدام نیستند می‌گذاریم کنار که خودش شرح مفصلی می‌خواهد و به‌اصطلاح در این مقال نمی‌گنجد. یک‌راست می‌رویم به سراغ پرفورمنسی که سال ۹۷ توسط سروش کریمی‌نژاد در خانه نمایش «د» که همیشه حامی این‌گونه اجراهاست، روی صحنه رفته است. پرفورمنس «سرتاسر».

سروش جزء معدود اجراگران حرکت در ایران است که سرتکی به همه کارها زنده و بعد آمده باشد به سراسر حرکت و طراحی آن. تکلیفش با خودش معلوم بوده. می‌دانسته می‌خواهد حرکت کار کند. آموزش دیده، مطالعه کرده، سال‌ها طراحی کرده و رسیده به اینجاچه که امروز هست. بدش آمده است. وقتی روی صحنه قرار می‌گیرد قلوبلق الکی نمی‌خورد. صحنه، بدن و حرکانش را می‌شناسد.

سروش کریمی‌نژاد در پرفورمنس «سرتاسر» یک‌تته، با طراحی حرکت، میزانشن (همان محل قرارگیری روی صحنه)، نور و البته بالطبع سایه‌ها، توانست داستانی برای ما روی صحنه روایت کند. او با استفاده از نور متمرکز و حضور اجراگر در جلوی صحنه و قرارگیری‌اش با فاصله کم توانست به مفهوم سینمایی «کلوزآپ» روی صحنه دست پیدا کند.

اگر بخواهم تنها از جنس داستانی به آن نگاه کنم، باید بگویم، سرتاسر، از یک اول‌شخص شروع می‌شود و بعد با حرکت اجراگر به عمق و پهنی‌کردن نور روی صحنه، یک لانگ‌شات سینمایی و دانای کل داستانی دست پیدا می‌کند. از یک نقطه آغاز و به سرتاسر جهان تعمیم داده می‌شود. این بازی‌ها و استفاده هوشمندانه از نور و میزانشن، مخاطب را همراه داستان می‌کند و بی‌آنکه کلامی روی صحنه گفته شود، ما همراه این شخصیت پیش می‌رویم؛ شخصیتی که گاه یک‌تته، جهانی را به تصویر می‌کشد.

اجرای «سرتاسر» که در سال ۹۷ روی صحنه رفت، داستان خشونت بشری است. وقتی حرف از این ترکیب پیچیده می‌شود، باید نشانه‌هایی از انسانیت و عذاب و درد را با هم ترکیب کرد و روی صحنه برد؛ عزایی که در هر روایت، با هر نظرگاه می‌توانیم آن را لمس کنیم. در سرتاسر این ترکیب‌هاست. درد را، خشونت تحلیل‌شده را، سرتاسر وجوه تاریک انسانیت را. در جایی دیگر نقش شکنجه‌گر را به تصویر می‌کشد. آنجا که قدرت در دستاوت. آنچه تغییر نیافته، آنچه ذره‌ای تقلیل پیدا نکرده، درد است. درد، جزء همیشگی انسانیت. درد، تجربه گریزنناپذیر بشر.

آنچه سروش در این پرفورمنس به ما نشان می‌دهد، یک اجرای حرکت و پرفورمنس تنها نیست؛ داستانی است که می‌توانیم روی صحنه حس کنیم، آن‌گونه که انگار خود ما آن را تجربه کرده‌ایم. چشیده‌ایم. سرتاسر یک حس تمام‌ناشدنی است. اصلا وظیفه پرفورمنس جز این نیست، درگیری اندیشه‌ها برای یافتن معنایهای متغیر بر یک تصویر واحد.

زیر آسمان فیروزه ای

رمان «حصار و سگ‌های پدرم» رونمایی می‌شود

● رونمایی، معرفی و خوانش رمان «حصار و سگ‌های پدرم» با حضور مترجم کتاب، مریوان حلبچه‌ای و منتقدان این برنامه، دکتر رزگار محمدی و دکتر ارسطو میرانی، یکشنبه ۲۷ مرداد ساعت ۱۹ برگزار می‌شود.علاقه‌مندان برای حضور در این مراسم می‌توانند به آدرس انقلاب، خیابان کارگر شمالی، نرسیده به نصرت، کوچه طباطبائی، پلاک چهارم، طبقه سوم مراجعه کنند.